

دولت ملی، اقتصاد ملی

پس از بارها دست‌به‌دست‌شدن پست نخست‌وزیری بر اثر فشارهای دربار و دخالت‌های بی‌برده بریتانیا و آمریکا در ایران، سرانجام دکتر محمد مصدق، رهبر نهضت ملی، با حمایت گسترده مردم به نخست‌وزیری رسید. کشمکش‌های ایران و بریتانیا با این انتخاب وارد مرحله تعیین‌کننده‌ای شد و با ملی‌شدن صنعت نفت دولت‌های هار سرمایه‌داری و در رأس آنها بریتانیا، آمریکا و هلند به مردم و دولت ملی چنگ و دندان نشان داده و ضمن بلوکه‌کردن حساب‌های ایران در بانک‌ها و شرکت نفت ایران و انگلیس، فروش نفت ایران را تحریم و ایران را محاصره نظامی کردند. در چنین شرایطی دولت ملی باید حمیت و اهلیت ایران را برای اداره کشور با وجود دشمنی‌ها و رفتارهای ضد انسانی غرب نشان می‌داد. مصدق با تشکیل هیئتی مرکب از اقتصاددانان و صنعتگران ملی و خوش‌نام مانند میرمصطفی عالی‌نسب، هدایت امور اقتصادی دولت را به دست گرفت و با اجرای سیاست‌های هدفمند بر پایه سازماندهی و تقویت تولید ملی به ساماندهی اوضاع وخیم اقتصادی پرداخت که پیش از آن با تورم بالا و گرانی و بی‌کاری دست‌وپنجه نرم می‌کرد. رئیس سیاست‌های اقتصاد دولت ملی دکتر مصدق را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱- انضباط مالی: با توجه به ریخت‌وپاش‌هایی که از دوره‌های پیش در سیستم دیوان‌سالاری ایران وجود داشت و در این سال‌ها با دخالت‌ها و فساد دربار چند برابر نیز شده بود، دولت نخستین وظیفه خود را صرفه‌جویی و درپیش‌گرفتن سیاست انضباط مالی در دولت قرار داد و توانست هزینه‌های دولت را از ۱۱میلیاردو ۲۰۰ میلیون ریال به ۹میلیاردو ۷۰۰ میلیون برساند.

۲- اصلاح سیستم مالیاتی و گمرک: دولت ضمن بالابردن قیمت اقلاهای مصرفی مانند تنباکو، تریاک و برخی اقلام دیگر، عوارض و حقوق گمرکی کالا‌های وارداتی و همچنین برخی کالا‌های صادراتی را اصلاح کرد؛ این سیاست‌ها می‌تواست موجب نارضایی مردم بشود، اما اجرای این سیاست‌ها در اصلاح الگوی اقتصادی بسیار مؤثر بود و در درازمدت کارایی اقتصاد ایران را در برابر رقبا افزایش می‌داد

۳- انتشار اوراق قرضه: برخلاف پیشنهاد دکتر «شاخت»، اقتصاددان آلمانی، مبنی بر چاپ و انتشار اسکناس به دولت برای برون‌رفت از فشارهای تحریم غرب، دکتر مصدق به انتشار اوراق قرضه دست زد که باید توسط سرمایه‌داران و تاجران خریداری می‌شد ولی با عدم استقبال آنان این سیاست تأثیر چندانی در بهبود اوضاع نداشت.

۴- تغییر الگوی صادرات و واردات و سیاست جایگزینی واردات: همان‌گونه که اشاره شد، الگوی بازرگانی خارجی ایران از میانه‌های دوران قاجار به زبان اقتصاد ملی و مولد، دست‌خوش تغییر شده و در دوران سلطنت رضاشاه این مسئله شدت یافته و از عوارض ساختاری اقتصاد ایران درآمده بود که بدیخته‌انه همچنان این عوارض گریبان‌گیر اقتصاد ایران است.

دولت ملی دکتر مصدق اگرچه در این برهه به‌شدت نیازمند درآمدهای حاصل از صادرات و عوارض بر واردات بود، با شناخت نقیصه اقتصاد ایران دست به تغییر اصولی و عمیق این الگو به سود اقتصاد ملی زد. او واردات را به کالا‌های ضروری و تجملی و کالا‌های صادراتی را به دو گروه کالا‌های کمتر و بیشتر قابل فروش تقسیم کرد؛ بنا بر این تقسیم‌بندی، بازرگانی می‌توانستند کالا‌های تجملی وارد کنند که موفق به صدور کالا‌های کمتر قابل فروش شده باشند و کالا‌های ضروری را می‌شد در برابر صدور کالای بیشتر قابل فروش وارد کرد.
مغیت اقتصادی دولت واردات برخی کالا‌ها مانند دُر و گوشت و اقلام و ادوات نظامی و کالا‌هایی را که در کشور تولید می‌شد، به کلی ممنوع کرد. سیاست اقتصادی دولت مصدق نه صرفا کاهش واردات و افزایش صادرات بلکه تغییر الگوی بازرگانی به سود تولید ملی با اجرای سیاست جایگزینی واردات بود. سیاستی که سال‌ها بعد توسط برخی کشور‌ها از جمله کره جنوبی در پیش گرفته شد و با حمایت آمریکا در رقابت با اتحاد شوروی و کره‌شمالی موجب رشد خیره‌کننده صنعتی و اقتصادی این کشور شد.

۵- سازماندهی صنایع ملی: دکتر مصدق می‌توانست با بازگذاشتن دست بازرگانان برای صدور مایحتاج و قیوت روزانه مردم و همچنین مواد اولیه معدنی و کشاورزی، خزانه دولت را پر کند و حمایت این قشر بانفوذ را برای خود بخرد، یا با یول‌پاشی به شیوه دولت احمدی‌نژاد، برای خود ریای جمع کند، یا به شیوه دولت‌های بعد از جنگ با شوک درمانی صورت‌مسئله را پاک کند تا در این سال‌‌ها از سوی تویخانه اقتصاددانان نولیبرال و ضد اقتصاد ملی در مظان تهمت ندانم‌کاری قرار نگیرد. اما بررسی سیاست‌های اقتصادی دکتر مصدق نشان می‌دهد دستاوردهای آن تماماً براساس سلسله مبانی و اصول مشخصی است که در مکتب تاریخی آلمان بر آن تأکید شده و برنامه‌ها براساس نظریات «فردریک لیست»، اقتصاددان بزرگ و کلاسیک آلمانی، صورت‌بندی شده بوده‌اند. دکتر مصدق در کنار دکترای حقوق، تحصیلاتی در رشته مدیریت اقتصادی و مالی داشت. کتاب مالی‌به نامبرده که در سال ۱۳۰۴ منتشر شده، به اعتراف اقتصاددانان یکی از معتبرترین کتاب‌های مالی است که در ایران نگاشته شده است.

کمال اطهاری در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه اکثریت جامعه بیرون از بازار سوداگرانه مسکن قرار دارند، هشدار داد

ناقوس پایان صندوق مسکن یکم به صدا در آمد

اژدهای مستغلات، سرچشمه توسعه ایران را کور کرده است



عکس: زینبوه رستنی

دو سال؛ آن هم در هنگامی که معاملات پیوسته کاهش می‌یافت. این افزایش در هنگامه بی‌کاری و تورم، بازار مسکن قفل‌شده را به اسفل‌السافلین پرتاب کرد. تأثیر معاملات صوری از اینجا آشکار می‌شود که تعداد معاملات واحد مسکونی تهران در اردیبهشت ۹۷ نسبت به ماه سال قبل ۱۶٫۷ درصد افزایش داشت و با درنظرگرفتن این افزایش و نرخ تورم، قیمت متوسط یک مترمربع ۳۴٫۸ درصد افزایش یافته بود. در حالی که در اردیبهشت سال ۹۸، تعداد معاملات واحد مسکونی تهران نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۶٫۵ درصد کاهش نشان داد اما قیمت متوسط ۱۱۲ درصد افزایش را تجربه کرد. ممکن است برخی بگویند این ناشی از افزایش ۲۵۴٫۳درصدی معاملات نسبت به فروردین بوده است، اما این اتفاق هرساله به دلیل تعطیلات، نوروز رخ می‌دهد؛ همان‌طور که در اردیبهشت ۹۷، افزایش معاملات نسبت به فروردین بیش از آن و به مقدار ۲۷۸٫۷ درصد بوده است. افت چشمگیر ۵۰٫۶درصدی معاملات در خرداد ۹۸ نسبت به ماه اردیبهشت نیز مؤید همین افزایش صوری است.

می‌گمان نمی‌کنم بانک‌های ورشکسته به این اقدام نجات یافته باشند، چون با ورشکستگی بخش مستغلات، برسرشاخه بُن بریده‌اند؛ اما جامعه و اقتصاد را درهم ریخته‌اند.

«زمین» در این بین تا چه اندازه دارای اهمیت است؟

بی‌شک عامل اصلی زمین است. در حالی که سهم زمین در کل هزینه تولید مسکن در دهه ۱۳۶۰ کمتر از ۳۵ درصد و در دهه ۱۳۷۰ کمتر از ۴۰ درصد

هزینه تمام‌شده مسکن بود، این شاخص در سال ۱۳۸۴ به ۴۸ درصد و در سال ۱۳۹۱ به ۵۶ درصد در کل کشور و در تهران به رقم ۶۶٫۳ درصد افزایش یافت این در حالی است که در کشور‌های سرمایه‌داری پیشرفته این نسبت بین ۲۰ تا ۲۵ درصد است. می‌دانیم هزینه زمین در تشکیل سرمایه به حساب نمی‌آید، اما از آنجا که در سال ۱۳۹۱ بخش مستغلات بالغ بر ۴۴ درصد از تشکیل سرمایه داخلی را داشته، فقط هزینه زمین مسکونی نزدیک به ۲۵ درصد تشکیل سرمایه داخلی بوده است که در حساب‌های ملی منعکس نشد و مورد غفلت همگان قرار گرفت. بخش مستغلات در سال‌های مختلف به‌طور معمول بین ۳۵ تا ۴۵ درصد تشکیل سرمایه کل نوسان کرده در حالی که این هم حد منطقی‌اش ۲۰ تا ۲۵ درصد است. به این ترتیب، مجموعه جذب اولیه سرمایه در زمین و ساختمان بخش مستغلات (بدون احتساب سرقفلی و خرید فروش‌های دست دوم) به‌طور متوسط ۵۵ درصد انباشت سرمایه در ایران را به‌خود اختصاص داده است. اما بخش صنعت و معدن (بدون آب، برق، گاز و ساختمان) فقط بین ۱۰ تا ۱۵ درصد تشکیل سرمایه را داشته است، یعنی بخش نامولد اقتصاد به‌طور متوسط حدود چهار برابر بخش مولد جذب سرمایه داشته است. شیار از یک دهه است پژوهش من (بورژوازی مستغلات: کژکارکردی جامعه، کژتابی شهر، ۱۳۸۷) نشان داده است

بخش مسکن با بخش صنعت رابطه متعارض (antagonistic) دارد، یعنی هر گاه سرمایه‌گذاری در مسکن بالا رفته، در صنعت پایین آمده است. اما آن‌قدر دولت‌های تسخیرشده قبلی و کنونی به تلقین بورژوازی مستغلات، اقتصاد و صنعت ایران را دنبال سراپ «بخش مسکن لوکوموتیو اقتصاد» در بهوت دوانند، تا همگی درهم شکستد.

❖ **بارها از نقش بورژوازی مستغلات در بهم‌خوردن اقتصاد مسکن گفته‌اید. این جناح به‌هم‌ریختن اقتصاد مسکن را از کجا آغاز کرد؟ زمین؟**

بله، مانند افسانه‌های اعصار تاریک، غول بورژوازی مستغلات رانتی از دل زمین بیرون کشیده شد. ماجرا از سیاست‌گذاری (policy failure) آغاز شد و به شکست بازار (market failure) انجامید. دولت موسوم به سازندگی با این توهم که دولت در اقتصاد شکست خورده است، ابتدا با قانون فروشی (تراکم‌فروشی و تغییر کاربری) زمین را به بازار سپرد. در حالی که اقتصاد نئوکلاسیک هم شکست بازار را در زمین حتمی می‌داند. این سیاست‌گذاری غیرعقلانی، با به بازارسپاری

انسان یا نیروی کار (خریدکردن از شمول قانون کار) و به بازارسپاری پول (شناورکردن ناگهانی نرخ ارز و ازدیاد و تقریباً شناورشدن نرخ بهره) تکمیل شد. تراکم‌فروشی باعث جهش‌های تا صددرصدی بهای زمین و مسکن می‌شد و هر تغییر کاربری از زراعی، باغ و صنعتی به مسکونی حدود ۱۰ برابر و به تجاری حدود برابر رانت تولید می‌کرد. ابتدا بورژوازی تجاری و بوروکراسی دولتی که با فساد، رانتی عظیم از کمبود کالا در دوران جنگ،

چندنرخی بودن ارز، مدیریت کارخانه‌ها و… اندوخته بودند، به غارت شهر مشغول شدند تا از نیمه دهه ۱۳۷۰ با رانت حاصله بانک تشکیل دهند. بعد بقیه آمدند؛ از آن جمله کسانی که برای رانت‌جویی مستقیم و غیرمستقیم، صندوق‌های قرض‌الحسنه تشکیل دادند. به این ترتیب، تخمه‌غولی که از سیاست‌گذاری غلط و با دست‌کاری تراکم شهری از طریق شورای عالی شهرسازی و معماری و کمیسسیون ماده ۵ شهرداری از اعماق زمین بیرون آورده شد، پس از خوردن اندکی تراکم‌شهری، به‌تدریج دولت را نیز غارتزین و حضور موفق در بازار جهانی شده می‌شود؛ اما به تدریج و به ویژه پس از وقوع بحران جهانی که از آمریکا برخاست، اروپا با الگوی نوهمگرای (Neocorporatist) خود و کشور‌هایی مانند کره‌جنوبی و چین با الگوی نئودولت‌گرای (Neostatist) خود ثابت کردند که در این راه موفق‌ترند. راهی نیز جز یکی از این دو الگو یا ترکیبی از آنها برای ایران متصور نیست؛ اما نه دولت تانکئون اراده آن را نشان داده و نه کارشناسان و روشنفکران رسمی توانسته‌اند حتی ساختار این الگو را تدوین کنند؛ ازاین‌رو بر روشنفکران جامعه مدنی فرض است که پیشامد گفت‌وگو و گفتمان توسعه، برای تدوین الگو و برنامه توسعه جایگزین شوند تا راه برون‌رفت از این وضعیت با توافق جامعه مدنی مشخص شود.

❖ **ریزش بازار مسکن چقدر اقتصاد ایران را متأثر کرده است؟**

کمال اطهاری در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه اکثریت جامعه بیرون از بازار سوداگرانه مسکن قرار دارند، هشدار داد

ناقوس پایان صندوق مسکن یکم به صدا در آمد

اژدهای مستغلات، سرچشمه توسعه ایران را کور کرده است

بورژوازی مستغلات رانتی با همراهی انحصارات قدرت و ثروت و فساد برآمده از همگی، اقتصاد ایران را پیش‌تر چنان به نابودی کشانده بودند که ترامپ جرئت تحریم را یافت، وگرنه اگر با یک اقتصاد درون‌زای مولد روبه‌رو بود، وارد ستیزه در میدانی که شکستش محتوم بود، نمی‌شد؛ ازاین‌رو این ریزش بر اقتصاد تأثیر پوزروازی مستغلات به همراه لاشخورگونه و تحریم ناشی از آن، مردم عزیز، فداکار و بافرهنگ ما را دچار درد و رنج سنگین و عمیق و چندباره کرده است.

❖ **آیا باید در انتظار تغییر بازی بزرگان این عرصه در اقتصاد سیاسی هم باشیم؟**

در جناح‌های سیاسی حاکم کسانی از لزوم پشتیبانی همگانی از بورژوازی مولد علیه بورژوازی نامولد سخن گفته‌اند؛ ولی حتی از لحاظ کارکردی دارای برنامه کارآمدی نیستند، چه برسد که از لحاظ اقتصاد سیاسی. مولدساختن اقتصاد ایران در دوران اقتصاد دانش و جهانی‌شده، از لحاظ کارکردی دست‌کم نیاز به دولت توسعه‌بخش (developmental state) و شایسته‌سالار برای ساختن زیرساخت‌های سخت و نرم دارد؛ اما اینها حتی معتقد به نهاده‌سازی هم نیستند. نمایندگان‌شان در برنامه ششم حتی نتوانسته‌اند اقتصاد دانش و بخش‌های پیشرو را تعریف کنند. تاکنون نیز نه‌فقط موجد و حامی بورژوازی مستغلات رانتی بوده‌اند؛ بلکه به آن هم گفته‌اند که بالای چشمش ابرو است! اما بدون ارائه هیچ برنامه‌ای ادعای مدیریت می‌کنند و به بهانه حمایت از بورژوازی مولد با سخنانی سخیف به چپ و نمایندگان بورژوازی ملی مانند دکتر مصدق می‌تازند.

❖ **پیش‌بینی شما از استمرار ایسن ریزش تا کجاست؟**

تا زمانی که برنامه توسعه جایگزین تدوین نشود و مسردم درباره آن توافق نکنند، ایسن ریزش ادامه خواهد داشت.

❖ **اقتصاد ایران و قدرت خرید مردم به‌شدت آسیب دیده است. با این گره بزرگ، می‌توان در انتظار تغییر این بازی به نفع اقشار فرودست بود؟**

باید تکرار کنم؛ تا زمانی که برنامه توسعه جایگزین تدوین نشود و مردم درباره آن توافق نکنند، این ریزش ادامه خواهد داشت؛ اما در غیاب تدوین چنین برنامه‌ای و نبود توافق درباره آن، بی‌تردید مردم به یک «نه بزرگ» روی خواهند آورد که ممکن است راه توسعه ایران را پر دردرونج کند.

❖ **آیا چنین تحولات عظیمی در بخش بزرگ اقتصاد ایران (اقتصاد مسکن) می‌تواند تحولات در دیگر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به دنبال داشته باشد؟**

به‌هیچ‌وجه! قفل‌شدگی بخش مسکن و اقتصاد ایران ناشی از این تفکر بسیار بسیار غلط و غیرعقلانی بود که بخش مسکن لوکوموتیو اقتصاد ایران است. درواقع توسعه‌نیافتن بخش‌های دیگر و به ویژه بخش‌های پیشرو دانش‌بنیان که هیچ ربطی به مسکن ندارند، باعث بی‌کاری، تورم و حتی اعمال تحریم بوده است. باید هرچه سریع‌تر از طریق دولت توسعه‌بخش این عقب‌ماندگی جبران شود. کافی است بدانیم که ۱۲ فناوری در حال انکشاف تا سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۳۳ تریلیون دلار بر اقتصاد جهان تأثیر خواهند گذاشت و حجم تجارت جهانی اکنون همین اندازه است، یعنی اگر کشوری در این انکشاف فناوری وارد نشود، یعنی تمدنی می‌شود و این هیچ ربطی به مسکن ندارد.

❖ **چنین اتفاقی در دیگر جوامع مانند ایران، سابقه داشته است؟ اگر بله، نتیجه آن چه شده است؟**

بله؛ وقتی ایالات متحده آمریکا در دوران بوش پسر با آن اقتصاد عظیم و فناوری پیشرفته‌اش، به جای توسعه بخش مولد در حباب مسکن دمید، بحرانی را موجب شد که به جهان تسری یافت. اکنون هم با صرف میلیاردها دلار برای جبران‌اش نه توسعه؛ بلکه ترامپ نیمه‌فاشیست نصیبش شده. با راهبرد مالی راهبر (financial-led) که جناح اقتصادی حاکم در ایران کاریکاتوری از آن را گرته‌برداری کرده است، نه توسعه به دست می‌آید، نه رفاه؛ بلکه فقط بحران تداوم می‌یابد.

❖ **راهکار برون‌رفت از این وضعیت چیست؟**

ابتدا یعنی تا اوایل دهه ۱۹۹۰ این‌طور به نظر می‌رسید که یک نظام مالی راهبر یا نیولیبرال باعث توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و حضور موفق در بازار جهانی شده می‌شود؛ اما به تدریج و به ویژه پس از وقوع بحران جهانی که از آمریکا برخاست، اروپا با الگوی نوهمگرای (Neocorporatist) خود و کشور‌هایی مانند کره‌جنوبی و چین با الگوی نئودولت‌گرای (Neostatist) خود ثابت کردند که در این راه موفق‌ترند. راهی نیز جز یکی از این دو الگو یا ترکیبی از آنها برای ایران متصور نیست؛ اما نه دولت تانکئون اراده آن را نشان داده و نه کارشناسان و روشنفکران رسمی توانسته‌اند حتی ساختار این الگو را تدوین کنند؛ ازاین‌رو بر روشنفکران جامعه مدنی فرض است که پیشامد گفت‌وگو و گفتمان توسعه، برای تدوین الگو و برنامه توسعه جایگزین شوند تا راه برون‌رفت از این وضعیت با توافق جامعه مدنی مشخص شود.

یادداشت

نیاز به بهبود حکمرانی منابع طبیعی جلال هناره

● در حال حاضر نیاز به بهبود حکمرانی منابع طبیعی در کشور بیش از پیش احساس می‌شود و با نیم‌نگاهی به وضعیت اجرای طرح‌های منابع طبیعی ضرورت پوست‌اندازی دیدگاه مدیریتی در این زمینه کاملاً احساس می‌شود. زمان آن رسیده که چشم‌انداز برنامه‌ریزی و توسعه ملی و استانی متناسب با رویکرد توسعه مشارکتی پروژه‌های منابع طبیعی باشد، به همین دلیل بهره‌مندی از ظرفیت جوامع محلی در اجرای طرح‌های منابع طبیعی به دغدغه همیشگی تصمیم‌گیران و متخصصان تبدیل شده است. اما باید در نظر داشت که مشارکت عمومی لزوماً به معنای ایجاد ضمانت اجرایی برای تصمیمات اتخاذشده نیست. زیرا کارایی مشارکت به کیفیت ارتباطات بین کاربران و تصمیم‌گیران و توانایی آنها برای تعامل و تبادل اطلاعات، دانش، مهارت‌ها و روش‌های مورد استفاده برای هدایت آنها در مسیر موردنظر بستگی دارد.مشارکت مردمی برای اولین‌بار به طور جدی در بند ط ماده ۶۹ قانون چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، مورد توجه تصمیم‌گیران قرار گرفت و دولت مکلف شد مشارکت مردم را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و مدیریت کند که مشارکت شوراهای روستایی و بسیج محلی در حفاظت از جنگل‌ها و مراتع به میزان ۱۵ درصد از سطح عملیاتی طرح‌ها برسد. بعد از گذشت ۱۵ سال از تصویب این قانون که مشارکت در طرح‌های منابع طبیعی را به الزام قانونی تبدیل می‌کرد نبود زیرساخت‌های قانونی مشارکت، میزان دستیابی به این هدف برنامه چهارم توسعه را با مشکل مواجه کرد. با تصویب آیین‌نامه اجرایی بند ط ماده ۲۹ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌کنشور در بهمن ماه ۱۳۹۷، زمینه قانونی مشارکت مردم در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی فراهم شد.بر اساس این آیین‌نامه به منظور ارتقای مشارکت جوامع محلی و توانمندسازی آنان در امر حفظ و احیای منابع طبیعی و محیط زیست کشور، به دستگاه‌های اجرایی مربوطه (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آب‌خیزداری کشور و سازمان حفاظت محیط زیست) اجازه داده می‌شود در هر سال قرارداد اجرای عملیات و پروژه‌های پیش‌بینی‌شده خود را با تشکل‌های روستایی و عشایری و تعاونی‌های تخصصی مربوط منعقد کنند. در این آیین‌نامه جنگل‌نشینان، بهره‌برداران و فارغ‌التحصیلان حوزه منابع طبیعی در تشکل‌ها و گروه‌های محلی ساماندهی و طبق مقررات مربوطه توسط اداره کل منابع طبیعی مجوز فعالیت دریافت می‌کنند. همچنین نحوه واگذاری کارها و عقد قرارداد و همچنین ویژگی‌های تشکل‌های محلی بهره‌برداران منابع طبیعی و تعاونی‌ها در این آیین‌نامه آورده شده است. از آنجایی که مشارکت مردم بدون تأمین منافع و بهبود معیشت جوامع روستایی امکان‌پذیر نیست، اجرای این قانون گام مهمی در زمینه مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و حرکت به سمت دیدگاه مشارکتی واقعی است و در صورت استفاده درست از این ظرفیت قانونی، بالاترین سطح مشارکت حاصل خواهد شد چراکه از طریق واگذاری طرح‌ها به تشکل‌های مردمی نه تنها فعالیت‌های احیایی و حفاظتی با مردم بلکه توسط خود مردم انجام می‌شود که مطمئناً گام مؤثری در افزایش سطح مشارکت جوامع محلی و بهره‌برداران در حفاظت و توسعه پایدار منابع طبیعی است.واضح است مشارکت ذی‌مدخلان به عنوان اهرم‌های اصلی اجرایی، شکاف بین سیاست‌گذاران و مردم را بسیار کاهش می‌دهد. با این حال و با وجود جوانب مثبت این رویکرد ضرورت آموزش کارفرمایان در جهت جلوگیری از سوء استفاده شرکت‌ها و تشکل‌های غیرحرفه‌ای از طریق استفاده و صورت‌ها از افراد بومی و همچنین حمایت از ایجاد و توانمندسازی تشکل‌های توانمند محلی به‌صورت تخصصی از الزامات مهمی هستند که در صورت عدم توجه به آنها موجب تخریب اعتماد پایدار به‌عنوان اصل مهم و پایه‌ای مشارکت خواهد بود. بر اساس تجربیات موفق دنیا، دولت باید نقش حامی را در ایجاد اعتماد و پیاده‌سازی مشارکت بر عهده داشته باشد و از طریق ظرفیت‌های قانونی اصل مشارکت را عملی کند.
عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان غربی

خبر

اعلام آمادگی دامداران برای عرضه تنظیم بازاری گوشت قرمز

● رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی گاوداران از اعلام آمادگی دامداران برای عرضه مستقیم گوشت به بازار خبر داد و گفت؛ با این اقدام علاوه بر کاهش قیمت، انباشت ایجادشده در جمعیت دام نیز متعال خواهد شد. سیداحمد مقدسی در گفت‌وگو با مهر از آمادگی دامداران برای عرضه مستقیم گوشت به بازار خبر داد و اظهار کرد: در جلسه‌ای که با معاونت امور دام وزارت جهاد داشتیم، برای عرضه مستقیم گوشت به بازار اعلام آمادگی کردیم. در آن جلسه عنوان شد دامداران تولیدات خود را به صورت لاشه یا بسته‌بندی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و غرفه‌های میادین عرضه کنند.